

بنام ایران

طاعت از دست نیاید گنهی باید کرد

« حفره های جاسوسی جمهوری اسلامی »

فردا که پیشگاه حقیقت شود پدید
شرمنده رهروی که عمل بر مجاز کرد



نفر وسط رضا خلیلی است

میگویند، گودال سیاهی در منظومه شمسی است که تمام نیروهای گرداگردش را فرو میبرد. سراسر تاریخ پُر فرود و فراز ما انباشته از این گودال های سیاه بوده است که همه توان میهن پرستان و نیک اندیشان را بلعیده اند و راه خیانت و جنایت و خبر چینی را بر علیه میهن و هموطنان خود با وقاحت تمام پیش گرفته اند و به مظلوم نمایی پرداخته اند با این اندیشه باطل که همه را فریب داده ایم. غافل از آنکه حقیقت با تمام عریانی چون آفتاب میدرخشد و فریبکار را رسوا میکند.

در خبر است باز باصطلاح هموطنی دیگر در سوئد که تا چندی پیش مدعی مبارزه برای رهایی ایران زمین و سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی غاصب بود و بر علیه اسلام می ستیزید، تو زرد از آب درآمده است و با عنوان دهان پُر کن ریاست اتاق بازرگانی اسکاندیناوی و ایران پی در پی به ام القرای اسلامی برای پابوسی میروند و تلاش بسیار برای تشویق ایرانیان و اروپاییان برای سرمایه گذاری و داد و ستد با جمهوری اسلامی دارد. اعتراض ها و افشاگری های بسیار بر علیه این پادوی رژیم جمهوری اسلامی غاصب و مبارز!؟ سابق و زندانی سیاسی!؟ اسبق از سوی شخصیتها، گروه ها و رسانه های ایرانی شده است و او با وقاحت بسیار موارد را تأیید و از دو رادیو محلی و یک جوان مبارز و میهن پرست به پلیس سوئد شکایت برده است. ما را با ایران فروشان زمان درازی است که کاری نیست، اما وقاحت و بیشرمی او ناگزیر ساخت تا نکاتی چند مطرح شود.

نام او رضا خلیلی است که خود را رضا دیلمی میخواند و به همین نام معروف است و در اوراق انتخاباتی سوئد نیز به شیوه آخوندی نام خود را دیلمی نوشته است. بگفته خودش به کمک سازمان ملل و بعنوان پناهنده سیاسی حدود 20 سال پیش از پاکستان به سوئد آمده و پس از بیش از 13 سال با یاری وکیل خصوصی موفق به اخذ تابعیت سوئد شده است که آگاهان معتقدند بدلیل خلافتکاری های خلیلی،

تابعیت او بدر از کشیده است چرا که یک پناهنده سیاسی 3 ساله و پناهنده غیر سیاسی و مهاجر 5 ساله تابعیت سوئد را دریافت میکنند نیز می‌تواند هم به وکیل و دادگاه نیست.

نخستین بار نام او را از جناب آقای رامبد ریاست وقت دفتر سیاسی رضا شاه دوم شنیدم که از من خواستند در مورد چند تن که در اروپا بنام دبیرخانه شهریار ایران از پناهجویان اخاذی کرده و تأبیدیه جعلی می‌دهند تحقیق و نتیجه را به آگاهی ایشان برسانم، چرا که شکایات بسیاری از پناهجویان به دبیرخانه شهریار ایران رسیده بود.



رضا خلیلی و دوست صمیم و نزدیک او - آن دوست به جرم حمل مواد مخدر از ایران به سوئد، ده سال محکوم و هم اینک دوران زندان خود را می‌گذراند - در سوئد به اخاذی از پناهجویان ایرانی پرداخته بودند که به آنها هشدار لازم داده شد. در تابستان 1991 میلادی در طی نشست سیاسی با حضور دکتر قریشی رییس وقت دفتر سیاسی و دکتر خوانساری مشاور وقت رضا شاه دوم و گروهی از هواداران آیین پادشاهی در شهر " اورهوس " کشور

دانمارک، رضا خلیلی معروف به دیلمی را دیدم که او از عملکرد خود بسیار عذر خواهی کرد، اما، بسیار دروغ گفت و افسانه بافت. او خود را فرزند سرلشگر دیلمی و خواهر زاده دکتر مهدی آستانه ای نماینده پیشین مجلس شورای ملی خواند، که تمامی خانواده او را در 11 سالگی در ایران تنها رها کرده و به امریکا رفته اند؟! و تماسی هم با او ندارند و او خود سالها بعد به مشهد و سپس به پاکستان گریخته و به سوئد آمده است و هم اکنون دانشجوی رشته پزشکی دانشگاه لوند است.

رضا خلیلی دروغ پرداز و شارلاتان قهاری است، بدرستی او نزد یک به 44 سال پیش در یکی از روستاهای شهرستان آستانه اشرفیه در استان گیلان در خانواده ای تنگدست زاده شده و دارای چند خواهر و برادر است که یک خواهر او که میگویند متاسفانه تعادل عقلی ندارد به اتفاق همسرش چند سالی است که به سوئد پناهنده شده است. رضا فقط چهار یا پنج کلاس ابتدائی را در ایران به مدرسه رفته و سپس ترک تحصیل کرده و به گفته صریح خودش پس از تحمیل رژیم جمهوری اسلامی غاصب به " بسیج " پیوسته و بعد از درگیری میان سپاه پاسداران و بسیج از سوی و گروهی از مردم آستانه اشرفیه از سوی دیگر و کشته شدن جوانی و شکایت اولیای دم، رضا دستگیر و به 4 سال زندان محکوم میشود که برای گذراندن دوران محکومیت به زندان " مالک اشتر " شهر لاهیجان منتقل میشود.

رضا پیش از دستگیری و زندان که حدود 18 سال داشته با زن تن فروشی که سالها از او بزرگتر بوده است بنام " فاطمه سلطان " ازدواج کرده بود که روشن نیست او را تا کنون طلاق داده است یا خیر؟ خلیلی پس از استخلاص از زندان که معلوم نیست چند وقت به طول کشیده و گفته میشود که احتمالاً در پوشش زندان تعلیماتی به او داده اند، ناگهان به نزد عموبش! به مشهد میرود و سپس سراز پاکستان در می‌آورد و آنگاه به سوئد می‌آید و خود را سلطنت طلب معرفی میکند و دست به فعالیت‌هایی می‌زند و کوشش جدی میکند تا خود را به گروه های طرفدار پادشاهی نزدیک کند.

او در چند نقطه سوئد بسر می‌برد و سپس در شهر مالمو در جنوب این کشور اقامت می‌کند و پس از بیش از 10 سال از سال 1999 میلادی به استکهلم نقل مکان می‌کند. در طول این مدت او حدود 10 بار ازدواج میکند که دستکم 5 بار آن به ثبت قانونی نرسیده که 3 بار از این 5 بار عقد اسلامی شده و

جشن های عروسی مفصل به همراه عکسبرداری و فیلمبرداری و با حضور مهمان های بسیار و هزینه زیاد فقط در مالمو برپا شده است که همه آنها به جدایی رسیده است. مقصود از عدم ثبت قانونی استفاده از مسکن اضافی و گرفتن اعانه و کمکهای مادی دولتی بوده است و جالب اینکه اتوموبیل های همسران ثبت نشده در زمان زندگی با او به سرقت رفته است که البته بیمه خسارت های وارده را پرداخته است و همچنین خسارت سرقت انبار و... چند ازدواج دیگر او نیز که ثبت قانونی سوئد شد سرانجامی نداشت و حتی مدتی او دارای دو همسر قانونی بود که البته در سوئد مجازات دارد، عاقبت او در سفری به جمهوری اسلامی با دختر جوانی از بستگان نزدیکش که دستکم 16 سال از او کوچکتر بود ازدواج کرد که گفته میشود پدرش از ملایان جمهوری اسلامی است.

رضا در سوئد به هیچ دبستان، دبیرستان و دانشگاهی نرفت و دارای مدرک و تحصیل سوئدی نیست و به سبب بی سوادی دارای کار ثابتی نبود و مدتها در یک بلوک آپارتمانی به خالی کردن آشغال و تمیز کردن پله ها مشغول بود و میگویند که بعدها در پی آشنایی با صاحب بلوکهای آپارتمانی نقش دلال ارباب را بعهده گرفت و از متقاضیان اجاره مسکن در این بلوک ها به دریافت رشوه می پرداخت. در شهر مالمو شایع است که او به خرید گذرنامه غیر قانونی نیز اشتغال داشته است و برنامہ گزار کنسرت ها بوده و گواهی می دهند که دستمزد بعضی از خوانندگان را هم نداده است.



بهر روی خلیلی، که کار درستی نداشت و بیشتر از اعانه ها و کمک های دولتی و اجتماعی استفاده میکرد و دارای توان اقتصادی کافی برای امرار معاش نبوده است و سعی وافر داشت که به درون آپوزیسیون ایرانی رخنه کرده و به کسب خبر بپردازد و از فعالیتها و اسرار آنها مطلع شود که شاید تا حدودی هم به زعم خود موفق شده باشد؟ اما مبارزین هم که پی به چهره حقیقی او برده و از ارتباط او

آگاه بودند وی را افشا کرده و اطلاعات نا درست میدادند تا رژیم تروریستی جمهوری اسلامی را سر در گم کرده و رابط ها را شناسایی و مقامات امنیتی سوئد و اروپا را مطلع کنند.

در پی افشا شدن خلیلی، رژیم اسلامی غاصب شیوه دیگری بکار گرفت که در چنین مواقعی انجام میداد و تا حدودی نیز برای ضربه زدن به اپوزیسیون خارج کشور موفقیت آمیز بود. تبلیغات ناگهانی و عجیبی در طرفداری و قهرمان سازی از رضا به راه افتاد و او را بعنوان مبارز راستین شناخته گری کردند و او با چند رادیو معلوم الحال گفتگو کرد و در میان این زمینه چینی ناگهان او با سر و صدا اعلام کرد که برای دیدن خانواده رهسپار جمهوری اسلامی است که این سفر انجام شد و پس از بازگشت به سوئد البته او به فعالیت سیاسی؟! ادامه داد و دست به تلاش های گسترده ای زد و در حزب دست راستی سوئد - مُدرات - فعال شد و ایرانیان را تشویق به سفر به جمهوری اسلامی کرد و سعی کرد با خانواده یکی از مبارزین تماس برقرار کرده و آنها را ترغیب به دیدار از ایران کند و

ضمن ارائه شماره تلفن مستقیم سفیر وقت رژیم به آنها گفت سفیر پیغام داده که تمامی هزینه رفت و آمد و اقامت و هدیه ها و تهیه و صدور گذرنامه جمهوری اسلامی را تقبل میکنند که با مخالفت این خانواده ایران پرست مواجه شد که البته بعد پدر و مادر و برادر این خانواده در ایران شناسایی و دستگیر شدند. سفرهای پی در پی رضا به جمهوری اسلامی و شایعاتی چون فروش کپی دعوتنامه های سوئدی به هموطنان داخل کشور، استفاده از عنوان دانشگاهی مهندس - روزنامه همشهری چاپ تهران - ، بهره جویی و جعل سرنسخه های شرکت ولو ، گرفتن پول زیاد برای هموار کردن ورود افراد به کشور سوئد و دانمارک بطور غیر قانونی ، استفاده و حمل و نقل مواد و مواردی از این دست، سبب بی آبرویی و بی حرمتی وی شد و جمهوری اسلامی غاصب دست بکار شیوه ای دیگر شد.

رضا خلیلی که در سال 2004 میلادی 96069 کرون سوئدی درآمد داشته - کمتر از درآمد یک کارگر ساده - و از این مبلغ نیز 19007 کرون مالیات پرداخته ، نیازمند آن بوده که برای پرداخت اجاره خانه مسکونی و برق و خوراک و لباس و پزشک و دارو و دیگر مایحتاج زندگی خود و همسر و فرزندش از اعانه و یاری های اجتماعی و دولتی استفاده کند و توانایی امرار معاش نداشت است و بدهی های خود را پرداخته و در اداره اجرای ثبت پرونده داشته که ماهانه 1500 کرون بپردازد و در همه سال هایی که در سوئد بسر برده تلویزیون نداشته، زیرا که عوارض تلویزیون را هیچگاه نپرداخته است، ناگهان به عنوان رییس اتاق بازرگانی اسکاندیناوی و ایران خود را معرفی میکند و دفتری را با هزینه سنگین اجاره و چند کارمند در اختیار میگیرد و سفرهای بسیار به گوشه و کنار آغاز میکند ، گفتنی اینکه بر پایه گزارش اداره مالیات سوئد این اتاق تا کنون درآمدی نداشته است.



هدف نخست تشویق ایرانیان گریخته از جهنم جمهوری اسلامی برای بازگشت به میهن و در نتیجه نابودی اپوزیسیون و اهداف بعدی سرمایه گزاری ایرانیان خارج از کشور در داخل ، برانگیختن دانش آموختگان ایرانی خارج برای کار در ایران ، سرمایه گزاری شرکت های خارجی در ایران ، انتقال تکنولوژی ، ارتباط با سازمانها و گروه ها و شخصیت های خارجی ، تهیه وسایل سرکوب مردم ، تبلیغ برای جمهوری تروریستی ، تهیه وسائل پیشگیری از رسیدن اطلاعات به مردم - وسائل ویژه پارازیت بر روی امواج رادیو و تلویزیون های ماهواره ای و فیلترینگ اینترنت - ، برپا کردن تورهای مسافرتی مجانی و یا بسیار ارزان برای دانش آموزان و دانشجویان و تشکلهایی از این دست به جمهوری اسلامی، تهیه و حمل لوازم و مواد مربوط به برنامه ساخت بمب اتمی جمهوری اسلامی و ده ها طرح و برنامه پنهان و سری دیگر. مانند تلاش بسیار گسترده برای ایجاد خط هوایی از تهران به وستروس - شهری کوچک در نزدیک استکهلم - و از وستروس به موگادیشو پایتخت سومالی .

رسیدن اطلاعات به مردم - وسائل ویژه پارازیت بر روی امواج رادیو و تلویزیون های ماهواره ای و فیلترینگ اینترنت - ، برپا کردن تورهای مسافرتی مجانی و یا بسیار ارزان برای دانش آموزان و دانشجویان و تشکلهایی از این دست به جمهوری اسلامی، تهیه و حمل لوازم و مواد مربوط به برنامه ساخت بمب اتمی جمهوری اسلامی و ده ها طرح و برنامه پنهان و سری دیگر. مانند تلاش بسیار گسترده برای ایجاد خط هوایی از تهران به وستروس - شهری کوچک در نزدیک استکهلم - و از وستروس به موگادیشو پایتخت سومالی .

علاقه وافر و نیاز جدی جمهوری اسلامی غاصب برای برپا کردن اتاقهای بازرگانی و شرکتهای مخفی و ایجاد شبکه های تروریستی و لابی در ممالک مختلف جهان ناشی از هراسی است که از تحریم اقتصادی و سیاسی و نظامی سازمان ملل متحد و کشورهای دنیا دارد.

بر اساس یک چشم بندی سیاسی - امنیتی ، خلیلی ، امروز بعنوان جانشین نماینده مجلس سوئد وظا ئف خلاف های اشاره شده در این یک نماینده مجلس را انجام میدهد. از او تا به حال چند شکایت بر پایه نوشتار به پلیس سوئد تسلیم شده و چند شکایت دیگر برای ارسال به پلیس و دیگر مقامات قضایی در دست آماده شدن است و در این رابطه چند نشریه معروف و بزرگ سوئدی مطالبی را منتشر کرده اند.



از جمله این شکایات، خلاف و عملی است که او بر علیه صندوق بیکاری انجام داده است که پس از اطلاع از این شکایت به از بین بردن مدارک پرداخته و در این رابطه تارنمای اینترنتی یک انجمن سومالیایی که نشانگر اسنادی بود برای مدتی تعطیل و پس از نابودی اسناد دو باره بازگشایی شد، غافل از آنکه مدارک کپی برداری و ثبت شده بود.

رضا خلیلی مدعی است که فقط یک بار به سفارت اشغالی جمهوری اسلامی رفته است امّا، شواهد دال بر این است

که او نزدیکی خاصی با سفیر رژیم آخوندی دارد و جالب آنکه سفیر سوئد در ایران به سوئدی هایی که در مورد خلیلی از او استفسار کرده اند هشدار داده است و گفته در اتاق بازرگانی همه نوع عملی انجام میگیرد جز کار بازرگانی.

از سوی شخصیت ها و سازمانهای مختلف، هشدار و اطلاعات لازم در مورد فعالیتهای مخرب و ضد قانونی رضا خلیلی معروف به دیلمی در اختیار مقامات سیاسی و اطلاعاتی و انتظامی و قضایی کشور سوئد که دارای تابعیت این کشور و محل اقامت دائم او است، قرار گرفته است که تحت بررسی است و چند نشریه معتبر و بزرگ سوئد نیز باعلاقه و موشکافی خلاف های او را دنبال میکنند. از هموطنان عزیزم استدعا دارم هر نوع مدرک و اطلاعی که از فعالیت ها و ارتباط ها و خلافاکاری های او دارند به هر نحو ممکن که صلاح میدانند در اختیار راقم این سطور قرار دهند.

دکتر مسعود خوشنود

دبیرکل سازمان ستاخیز ایران

30 آذر ماه 1385